

محمود نورانی؛ پژوهشگر - در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک

مقدمه

در یکی از کلاس‌های درسی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت‌مدرس، استاد محترم جناب آقای دکتر حافظ‌نیا، موضوعی را عنوان کردند مبنی بر اینکه تعدادی از اساتید رشته مدیریت دانشگاه‌های مختلف در یک جمعی، بحثی را مطرح و نسبت به راه‌اندازی مرکز و یا پژوهشکده‌ای تحت عنوان تدریس و یا آموزش شیوه حکمرانی در کشور با متولی - گری رشته و اساتید رشته مدیریت (ترجیحاً مدیریت - دولتی و اقتصاد) تصمیماتی را اخذ کرده - اند لذا یکی از اساتید دانشگاه تربیت - مدرس نیز بر پایه همین موضوع با تعدادی از رسانه - های کشور در خصوص لزوم راه - اندازی این مرکز و دعوت از اساتید مدیریت و اقتصاد نسبت به فعالیت در این مرکز مصاحبه - ای انجام داده بودند.

ناگفته نماند طی بررسی‌های انجام شده تا بحال سه الی چهار مرکز در قالب پژوهشکده، مدرسه و اندیشکده راه - اندازی و در حال تدریس، آموزش و توانمندسازی مسئولین، مدیران، برنامه‌ریزان، کارکنان، مخاطبان و دانشگاهیان در حوزه حکمرانی و کشورداری می - باشند.

آقای دکتر حافظ - نیا در آن کلاس درس ضمن این که عنوان نمودند که با آن استاد دانشگاه از طریق ایمیل و بعداً با تماس تلفنی که آن استاد با ایشان داشته - اند نسبت به تشریح فلسفه و ماهیت جغرافیای سیاسی پرداخته و ایشان را به چهارچوب علمی و فلسفی علم جغرافیای سیاسی به عنوان علم کشورداری آگاه نمودند، به دانشجویان آن کلاس تأکید نمودند که یکی از وظایف خطیر و مسئولیت سنگین جامعه دانشگاهی و آکادمیک جغرافیای سیاسی کشور در این مقطع زمانی برنندسازی و آگاه نمودن جامعه علمی و مهم - تر از آن ساختار حاکمیتی کشور نسبت به ماهیت مفهومی رشته جغرافیای سیاسی به عنوان علم کشورداری بهینه است.

لذا نویسنده به این بهانه و با کمک گرفتن از مراجع اصلی آن با مرور مفاهیم فلسفی و بنیادی و نیز اهداف و کاربرد جغرافیای سیاسی سعی در تبیین و تشریح موضوع فوق برای مخاطبان خود من جمله روسای محترم جمهور، مجلس و قوه قضاییه، هیئت وزیران خصوصاً وزیر محترم کشور، فرماندهان محترم نیروهای مسلح، روسای دانشگاهی علی - الخصوص دانشگاه‌های تخصصی و نیز دست‌اندرکاران حوزه حکمرانی و کشورداری و عموم دانشگاهیان و اصحاب رسانه و نهایتاً شهروندان و ملت شریف ایران پرداخته است:

جغرافیای سیاسی از چه می‌گوید:

جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جغرافیایی به مطالعه بعد سیاسی فضای جغرافیایی می‌پردازد. بدین معنی که در فضای جغرافیایی اعم از مقیاس محلی تا جهانی و فراکروی، پدیده‌ها و ساخت‌هایی وجود دارند که اساساً ماهیت فضایی / جغرافیایی دارند و با مولفه سیاست در آمیخته‌اند. از این رو، جغرافیای سیاسی از آن دست معارف بشری است که از ماهیت ترکیبی برخوردار است که دو مولفه اصلی جغرافیا و سیاست در آن اهمیت ذاتی دارند. در عین حال، موضوع ترکیبی جغرافیای سیاسی بصورت پدیده‌های بسیط در فضای جغرافیایی خواه بصورت عینی و ذهنی و خواه بصورت آشکار و پنهان واقعیت و نمود می‌یابند؛ مانند قلمروسازی و قلمروپایی، حس و عاطفه مکانی / فضایی، وطن‌گرایی و تابعیت، کشورها و ایالت‌ها، مرزها، تقسیمات کشوری، پایتخت‌ها، مکان‌های مرکزی، دولت‌های محلی، ساخت‌های فضایی - سیاسی منطقه‌ای، قلمروهای ژئوپلیتیکی، فضاهای جغرافیایی بحران‌زده، کنش‌های فضایی در مقیاس‌های مختلف، دینامیسم فضا و سیاست، تجلی‌های فضایی کنش متقابل سیاست و جغرافیا، مدیریت سیاسی فضا، جغرافیا و استراتژی ملی، ژئوپلیتیک صلح و امنیت، ژئوپلیتیک زیست‌محیطی، نظام‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی و غیره.

بنابراین بن‌مایه فلسفی جغرافیای سیاسی را مکان‌ها، فضاها و پدیده‌های تشکیل‌دهنده می‌دهند که از آمیختگی جغرافیا و سیاست به وجود آمده‌اند. به عبارتی، آن دسته از ساخت‌ها و پدیده‌های فضایی / جغرافیایی که دارای ارزش سیاسی، هویت سیاسی و یا کارکرد سیاسی می‌باشند، موضوع مطالعه رشته جغرافیای سیاسی و گرایش‌های تخصصی آن می‌باشند.

توسعه این گونه مطالعات و کشف قانون‌مندی و مدل‌سازی روابط بین متغیرهای سیاسی - فضایی می‌تواند راه را برای کاربردی کردن علم جغرافیای سیاسی در زمینه کشورداری و روابط خارجی، به ویژه آمایش و مدیریت سیاسی بهینه مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (کشورها، واحدهای سیاسی / فضایی درون کشوری، شهرها و مکان‌های مرکزی، مرزها و...) و نیز امنیت داخلی و ملی و روابط با سایرکشورها هموار نماید.

همچنین تجزیه و تحلیل جغرافیایی تحولات و بحران‌های جهانی و منطقه‌ای و درک صحیح از ماهیت و چگونگی رفتار سیاسی دولت‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و واگرایی و همگرایی آنها؛ از آن حیث که دارای منشأ جغرافیایی و فضایی می‌باشند، ضرورتی است که باید به دست جغرافیدانان سیاسی انجام پذیرد.

از آنجایی که تجزیه و تحلیل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مسائل محلی، داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی ایران در راستای حفاظت از منافع ملی، بقای کشور، امنیت ملی و نیز آمایش و مدیریت سیاسی فضای داخلی کشور و به طور کلی دستیابی به اهداف ملی نیازمند متخصصین جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک می‌باشد، این امر می‌تواند درک درستی از آن را به دانشجویان، نخبگان، مدیران و مسئولان سیاسی و مردم ایران به منظور تنظیم سیاست‌های داخلی و خارجی کشور بدهد.

حکمرانی مسأله ای است که در سه دهه اخیر توجه ویژه ای بدان صورت گرفته به طوری که به جزء لاینفک گزارش ها و توصیه های سیاستی نهادهای پژوهشی و سازمان های بین المللی تبدیل شده است. طبیعتاً شکی نیست که مفهوم حکمرانی، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم دولت دارد. به عبارت بهتر «چگونه حکومت کردن» اصلی ترین سوالی است که یک دولت باید به آن پاسخ دهد.

حکمرانی خوب مفهومی است مشتمل بر مع آرها و استانداردها، رویه ها و اصول حکومتداری که دولت ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می رسانند، منابع عمومی را اداره می کنند و حقوق بشر را تضمین می نمایند. از ارکان مهم حکمرانی خوب می توان شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف پذیری دولت را نام برد. حکمرانی خوب نسبت نزدیکی با مردم - سالاری و فرآیندهای دموکراتیک دارد و به سخن بهتر، مجموعه ای از مع آرها و شاخصه های کاربردی نظام های سیاسی دموکراتیک در ابعاد فرآیندی، ساختاری و ماهوی است از سوی مدققان مفهوم و حاکمیت دموکراتیک مستلزم حکومت دموکراتیک و جمهوری است اصل تفکیک و تعامل قوا به عنوان یک اصل سازمانی در خدمت حقوق بشر و آزادی ها بوده و با توزیع و سرشکن نمودن اقتدار سیاسی، نظام پاسخگو، شفاف و قانونمند است. بدین لحاظ حکمرانی خوب پدیده و نوظهوری با نوع ساختار حکومت دارد و ساختارهای دموکراتیک از شرایط پیشینی حکمرانی خوب است.

غایت جغرافیای سیاسی : کشورداری و حکمرانی

بخش کلانی از تجربه تاریخی و سیاسی ملت ها، برآیند موقعیت و وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک کشورها و ادراک محیطی رهبران و کارگزاران نظام سیاسی آنهاست. آنچه اصالت دارد ملت و زیستگاه جغرافیایی آن است که در شکل کشور در جغرافیای سیاسی جهان تجلی یافته است. حکومت و نظام سیاسی کشورها، سازوکاری است که به نیابت از ملت وظیفه مدیریت سیاسی فضای ملی و اداره بهینه امور کشور را در ابعاد داخلی و خارجی را بر عهده دارد.

معیار پذیرش و مقبولیت حکومتها و نظام های سیاسی توسط ملت ها نیز افزون بر تجانس ساختاری آن با ویژگی ها و ارزشهای مورد علاقه آحاد ملت، در کارآمدی آن برای تأمین بهینه نیازهای مادی و معنوی، پاسداری از ارزشها و منافع ملت، تضمین پیشرفت همه جانبه و نهایتاً جلب رضایت و پذیرش شهروندان آنها نهفته است.

باید اذعان داشت که جغرافیا و جغرافیای سیاسی هم در بعد تاریخی و هم امروز، بیشتر در خدمت حکومت ها و دولت ها بوده اند. به دیگر سخن، موجودیت کاربردی خود را در پیوند با حکومت و سازمان های مرتبط و به عبارتی بخش حکومتی تعریف کرده است.

هدف جغرافیای سیاسی در حوزه نظری و بنیادی، ارضای حس و سرشت کنجکاو انسان است که از سویی درباره ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی زیستگاه و پدیده هایی که در زندگی روزمره فضای زیست و محیط های پیرامونی انسان ها نقش

می - آفرینند، به ایجاد و افزایش آگاهی و دانش انسان - ها می - انجامد و از سوی دیگر بینش و نگرش انسان - ها را نسبت به ابعاد سیاسی فضای زیست و فراسوی آن تقویت می - کند تا پدیده - ها و فرآیندهای مرتبط را جامع - تر، کامل - تر و گسترده - تر بفهمد و فرصت - ها، تهدیدها، توانمندی - ها و ضعف - های زیستگاه و محیط پیرامونی خود را بشناسد تا راه زندگی خود را بهتر و امن - تر تعیین کند.

و در حوزه کاربردی، هدف از تولید معرفت در جغرافیای سیاسی برآوردن نیازهای مادی و معنوی بشریت است. علمی می - تواند ماندگاری خود را تضمین کند که در خدمت نیازهای فردی و اجتماعی انسان - ها قرار گیرد. منظور از حوزه اجتماعی، کاربرد معرفت و گزاره - های علمی جغرافیای سیاسی برای رفع نیازمندی سازمان - های اجتماعی، نهادهای عمومی، شرکت - های تولیدی، خدماتی و از همه مهم - تر، حکومت - ها و سازمانهای دولتی است.

موارد ذیل از جمله محورها و مواردی است (به صورت خلاصه) که در حوزه شوررداری و در زمینه حکمرانی، جغرافیای سیاسی را از لحاظ بنیادی و کاربردی برای رفع نیازهای کنجکاوانه، افزایش معرفت، دانش، بینش و نگرش شهروندان و مدیران جامعه از یک سو و راه - کاریابی نیازمندی - های مادی و معنوی بخش - های حکومتی، عمومی، خصوصی و شهروندی از سوی دیگر توجیه می - نماید.

شناخت علت یا علل پیدایش و بقای کشور، واکاوی و تبیین نیروهای تجزیه - گر (ناحیه - گرا، مرکزگرایز و چرخشی) و نیروهای متحدکننده و همبسته - ساز (مرکزگرا و نمادگرا) برای حفظ همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی کشور

ساماندهی سیاسی فضای داخلی کشور همانند تقسیمات کشوری، حوزه - بندی رأی، تعیین مرزهای واحدهای تقسیماتی درون کشوری، تقسیمات درون شهری، مکان - یابی پایتختها، مراکز استانی / ایالتی، شهرستان، بخش، مکان - های مرکزی و تعیین کالبدهای فضایی برای کنش و عمل سیاسی حکومت و شهروندان

ساماندهی، آمایش و مدیریت سیاسی نواحی مرزی کشور و کاهش تنش در روابط همسایگان و پیشگیری از جنگ، قاچاق، توسعه - نیافتگی نواحی مرزی و اصلاح کارکردهای مرز برای توسعه صلح، همزیستی و روابط بین - الملل با همسایگان

پیشگیری از بروز تنش در روابط اجزا درونی ملت و توسعه همبستگی ملی از رهگذر برقراری عدالت فضای - جغرافیایی، مدیریت سیاسی بهینه در فضای جغرافیایی درون - کشوری، اصلاح سیاست - های حکومتی نسبت به بخش - های ملت همچون روابط با نواحی، اقوام، اقلیت - ها، ادیان، مذاهب و سیاست - ها و کردارهای حکومت نسبت به زیستگاه و بنیادهای زیستی در قلمروها و فضاهای درون کشوری

مدیریت بهینه سیاسی فضا در مقیاس - های محلی، استانی، ملی و بین - المللی همانند انتصاب جغرافیدانان سیاسی در سمت - های فرماندار، بخشدار، استاندار و معاونان سیاسی و امنیتی، وزیر کشور و معاونت - ها و مدیران کل مرتبط (تقسیمات

کشوری، انتخابات، سیاسی، امنیتی و غیره)، وزیر امور خارجه و سفرا و کاردارها در سفارت - خانه - ها، رئیس - جمهور و رئیس قوه مجریه، روسای دولت - های محلی، عضویت در پارلمان - های ملی و مجلس شورای اسلامی) و پارلمان - های محلی (شوراها) یا انتصاب مشاوران قوا از میان جغرافیدانان سیاسی برای تصدی سمت - ها و جایگاه - های یاد شده

امور مربوط به تابعیت، شهروندی، دموکراسی، حقوق طبیعی، نظام - گذاری و قانون - گزاری برای آن - ها

تدوین برنامه - های راهبردی جامع برای مدیریت امور عمومی و کلی مکان - ها و فضاهای جغرافیایی برای توسعه سطوح مختلف محلی، استانی و ملی مانند تدوین برنامه راهبرد ملی که کارویژه مدیران سیاسی فضاهای مختلف کشور است.

مشارکت در تدوین قانون اساسی کشور و قوانین عادی و عمومی که به نحوی ناظر بر روابط حکومت و سازمان - های دولتی با مردم، شهروندان و بخش - های ملت و مناسبات میان اجزای ملت با یکدیگر، زیستگاه و قلمرو میهنی آنها و به طور کلی منافع جمعی و کلی سازمان - های شهروندی همچون روستاها، شهرها، جوامع کوچ زیست، اقوام و ادیان و اقلیت - هاست.

انجام مطالعات ژئوپلیتیکی مربوط به طرح - های عمرانی در درون کشورها، بیرون کشورها و در سطوح بین - المملی برای تعیین نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید و به طور کلی امکان - سنجی اجرایی برای پیشگیری از: شکست طرح - ها، تولید تنش در روابط اجزاء ملت و نواحی درون کشوری و در روابط بین - المملی کشورها، تبیین بایسته - های ژئوپلیتیکی مثبت و منفی آنها برای سازمان - های حکومتی و دولتی (درون - کشوری و بین - المملی) همچون طرح - های انتقال آب از سرشاخه - های کارون، خزر و خلیج - فارس، طرح انتقال گاز به کشورهای هند و پاکستان، سرمایه - گذاری در کشورهای مختلف، ایجاد سایت - های گردشگری، واگذاری نقش - ها به نواحی، مکان - ها و فضاهای جغرافیایی (منطقه آزاد انرژی و اقتصادی و...)

انجام مطالعات و ارائه خدمات مشاوره تخصصی به نهادهای محلی، مدیریت شهری در زمینه - های مختلف سازماندهی فضایی - اداری و سیاسی شهر، امنیت شهری، مدیریت بهینه شهر، آمایش درون شهری، دموکراسی محلی، حساسیت - های سیاسی گروه - های اجتماعی و گنوهای شهری

سخن آخر

همه دولت - ها - یا به تعبیر درست تر، بسیاری از آنها - به دنبال طراحی و اجرای برنامه ها و سیاست هایی هستند که از طریق آنها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان آورند. سراسر تاریخ تمدن بشری مملو از کوشش هایی است که در این زمینه صورت گرفته، و البته بسیاری از آنها نیز در رسیدن به نتیجه ناکام مانده است. قرن بیستم و اخیراً بیست و یکم نیز در این زمینه وضعیت خاص خود را دارد.

بی‌شک محبوبیت واژه حکمرانی تا حد زیادی مدیون تناسب آن با تغییرات جهانی است. در جامعه مدنی حکومت به میزانی درخور توجه به سازمان‌ها وابسته است و به واسطه پیوندهای بین‌المللی محدودتر شده است. از یک سو بخش عمومی در بسیاری از حکومت‌ها از سلسله مراتب بوروکراتیک به سمت بازارها و شبکه‌ها حرکت کرده است. از سوی دیگر فعالیت حکومت‌ها به صورت روز افزون در تنظیمات فراملی و بین‌المللی تنیده شده است، امری که ناشی از بین‌المللی شدن تعاملات صنعتی و مالی، ظهور بلوک‌های منطقه‌ای و افزایش نگرانی‌ها درباره مسایل جهانی، مانند تروریسم و محیط زیست است.

در جغرافیای سیاسی کلاسیک حکمرانی یا حاکمیت در مفهوم اعمال تصمیمات و مجموعه اقداماتی بوده است که دولت‌ها در جوامع انسانی انجام می‌دادند. اما امروزه با رواج رویکردها و اندیشه‌های جدید در جغرافیای سیاسی و به خصوص در حوزه جغرافیای سیاسی پست‌مدرن و ژئوپلیتیک انتقادی مفاهیم حاکمیت، حکومت و دولت دستخوش تغییرات عدیده‌ای گشته است. حکومت و دولت دستخوش تغییرات عدیده‌ای گشته است. امروزه دولت تنها بازیگر صحنه کشور محسوب نمی‌شود و حکمرانی صرفاً حاصل عمل او نمی‌باشد. حکمرانی خوب در رابطه‌ای شبکه‌ای و نه سلسله‌مراتبی میان بازیگران تحقق می‌یابد و در این رابطه همه اجزا در شبکه با هم ارتباطی هم‌ارز و هم‌سطح دارند و یکی بر دیگری برتری نیست.

جغرافیای سیاسی با توجه به داشتن فلسفه تاریخی کهن خود و نیز توانش بالایی آکادمیک و علمی در ابعاد گوناگون می‌تواند در عرصه کاربردی حکمرانی وارد شده و با توجه به شاخص‌ها و پارامترهای جغرافیایی به تبیین و تحلیل مباحث امروزی همچون آمایش و حفظ تعادل فضایی، تمرکززدایی، حکومت‌های محلی، مسائل زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی و امنیت ملی در الگوی نوین مدیریت سیاسی فضا پردازد.

امید آنکه مسئولین، برنامه‌ریزان و در رأس آنان روسای قوای اجرایی و تصمیم‌گیری کشور با دید باز برای بکارگیری متخصصین حوزه جغرافیای سیاسی در امور کشورداری و حکمرانی تصمیمات راهبردی اتخاذ نمایند.



